

## حذف مجاهدین از لیست تروریست ها و سود و زیان احتمالی آن، هوشنگ امیر احمدی



حذف سازمان مجاهدین از لیست ممکن است به واقع قدمی در جهت درست برای ایران آینده باشد. اول اینکه، عرق ملی ایرانیان از این واقعیت که گروهی از آنها در لیست تروریست‌های ایالات متحده بوده، کشوری که بسیاری از آنها گرامی‌اش می‌دارند، رنج برده است. بعلاوه، سازمان مجاهدین خلق در گذشته ضد امریکایی‌ترین گروه ایرانی بوده است. پس حذف این سازمان به دست ایالات متحده می‌تواند قدمی در جهت عادی‌کردن ارتباطات بین امریکایی‌ها و ایرانی‌ها باشد. هم دولت و هم ملت ایران از این "عادی سازی" سود خواهند برد و باید از آن استقبال کنند.

در حالی که وزارت خارجه امریکا در حال بررسی امکان حذف سازمان ایرانی اسلامی مجاهدین خلق از لیست گروه‌های تروریستی است، در این باره بحثی در میان صاحب‌نظران در گرفته است که برخی از آنان موافق حذف آن و برخی موافق ماندن آن در این لیست هستند. سازمان مجاهدین خلق قبلا از لیست گروه‌های تروریست اتحادیه اروپا و انگلستان حذف شده و در ایالات متحده نیز با این سازمان به گونه‌ای رفتار می‌شود که گویی در لیست نیست.

مخالفین حذف از لیست به درستی یادآور می‌شوند که سازمان مجاهدین خلق درگیر اعمال خشونت‌آمیز علیه امریکایی‌ها، ایرانی‌ها و حتی اعضای گروه خود بوده است و یک نیروی شبه‌مذهبی و ضد دموکراتیک است. پایه‌گذاران این سازمان، چندین امریکایی را در ایران در سالهای ۱۹۷۰ به قتل رساندند و این سازمان به صورت فعال از گروه‌گرفتن امریکایی‌ها در تهران در سال ۱۹۸۰ حمایت کرده است.

سازمان مجاهدین خلق از جنگ صدام حسین علیه ایران که در سال ۱۹۸۰ شروع شد حمایت کرد. این «جنگ طولانی»، که طی آن عراق از سلاح‌های شیمیایی نیز استفاده کرد، پانصد هزار کشته و زخمی ایرانی بر جای گذاشت، ۱۲۰ شهر و روستای ایران را نابود کرد و موجب ۱۲۰ میلیارد دلار خسارت اقتصادی بر کشور شد. سازمان مجاهدین خلق همچنین به صدام حسین در سرکوب طغیان کردها در سال ۱۹۹۱، پس از اولین جنگ آمریکا با عراق، کمک کرد.

جای شک نیست که سازمان مجاهدین خلق در ایران و آمریکا منفور میلیون‌ها نفر است. مردم آمریکا آن را به چشم یک گروه تروریست، جمهوری اسلامی آن را به چشم یک گروه منافق (یعنی به طرز ریاکارانه‌ای مسلمان) و بیشتر ایرانیان آن را به چشم یک گروه خائن می‌بینند. حتی اعضای سابق سازمان ابراز داشته‌اند که این سازمان، دموکراسی داخلی را ممنوع می‌کند و با اعضای منتقد نسبت به فعالیت‌های سازمان برخوردی کاملا وحشیانه دارد.

در حالی که سازمان مجاهدین خلق در پی به‌دست‌آوردن حمایت مقامات رسمی غرب است، ولی هنوز مورد سرزنش و نفرت اغلب ایرانیان است. قضیه در سال‌های آغازین تاسیس این سازمان در اوایل ۱۹۷۰ به این صورت نبود؛ در آن زمانها این گروه پارتیزانی قهرمان جوانان ایرانی زیادی در مبارزه با دیکتاتوری شاه و سلطه امریکایی‌ها بود. متأسفانه این سازمان با خشونت زاده شد و از همان ابتدا اسلام‌گرایان و مارکسیست‌های درون رهبری آن بطور خشونت‌آمیزی از هم جدا شدند و اسلام‌گرایان زمام امور را در دست گرفتند.

اما تغییر غم‌انگیز اصلی این سازمان، از یک گروه وفادار به کشور به یک گروه خائن به وطن، در سال ۱۹۷۹ آغاز شد، دقیقا زمانی که سازمان مجاهدین از جمهوری اسلامی جدا شد، مقامات رسمی حکومت، منجمله یک رئیس‌جمهوری و یک نخست‌وزیر، را ترور کرد، و به صدام حسین پیوست. از زمان این اقدامات، یک حلقه فاجعه‌آمیز از خشونت میان جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین خلق ایجاد گردیده و ادامه یافته است که موجب مرگ هزاران نفر شده است.

مخالفان حذف این گروه از لیست، شک درستی در این باره دارند که شاید این گروه هیچ‌گاه دموکراتیک نشود. با این حال این استدلال مخالفین مسخره است که می‌گویند حذف سازمان مجاهدین خلق از لیست گروه‌های تروریستی امریکا حکومت اسلامی را تقویت می‌نماید، اصلاح‌طلبان ایرانی را دل‌سرد می‌کند، آزادی امریکایی‌های ایرانی تبار را به خطر می‌اندازد، و به سازمان مجاهدین قدرت می‌دهد که جنگی از سوی امریکا بر ایران تحمیل کند.

اول این‌که «افزایش» قدرت ایران و مشکلات اصلاح‌طلبان زمانی اتفاق افتاد که سازمان مجاهدین خلق در لیست تروریست‌ها قرار داشت. دوم اینکه سازمان مجاهدینی که در لیست تروریست‌ها قرار نداشته باشد، بعید است که بتواند برای ایرانی - امریکایی‌ها در جامعه دموکراتیک امریکا قلدری کند. و بالاخره این که سیاست دولت اوپاما در قبال ایران این است که در عین افزایش تدریجی تحریمها و ایجاد ضمیمه‌های لازم برای اجرای آنها و ایزوله کردن ایران، تا جای ممکن از جنگ پرهیز کند. سوازی یک حادثه که ممکن است دشمنان ایران اتفاق بیاندازند، تنها "شکست تحریمها" می‌تواند توجیه گر یک جنگ احتمالی امریکا علیه ایران باشد همان‌طور که درباره عراق شد.

همه مخالفان حذف از لیست، واقعا نگران عواقب آن نیستند. برخی از آنها تنها به دلیل نفع شخصی چنین موضعی اتخاذ کرده اند. فعالیت ضد ایرانی کسب و کار آنان است و خیلی ها از این طریق امرار معاش میکنند. این افراد از سازمان مجاهدین خلق به عنوان نمای خارجی و پوشش برای فعالیت‌های پنهانی زیان‌بار خود در حمایت از تحریم‌ها (که از ترس ملت ایران اسمش را "تحریم‌های هدمند" گذاشته اند) و فراخوانی برای نظارت بر کار دانشمندان ایرانی استفاده می‌کنند. حذف سازمان مجاهدین از لیست این گروه‌ها را، که اشک تمساح می‌ریزند و مکارانه سعی در برجسته‌کردن سازمان مجاهدین به عنوان تنها نیروی تبه‌کار ایرانی دارند، رسوا خواهد کرد.

در همین حال دشمنان جمهوری اسلامی طرفدار سازمان مجاهدین اغلب اوقات تلاش کرده‌اند که سازمان را به عنوان یک لولوخورخوره معرفی کنند، در حالی که این سازمان مدت هاست که با شکست مواجه شده است و آینده ای در ایران ندارد. برای آنها و مجاهدین، حذف از لیست به معنای پشتوانه مالی دولتی و قدرت بیشتر است. البته که به پول بیشتر می‌رسند، ولی حذف سازمان مجاهدین از لیست، این گروه را تضعیف خواهد کرد نه تقویت چون علاوه بر محدودیت‌های قانونی ای که برای آن بعد از حذف از لیست ایجاد خواهد شد، سازمان درون گروه‌های اپوزیسیون مخالف دیگر پرتاب شده و مثل آن بقیه دیگر میشود.

حکومت اسلامی احتمالا از پس آمد های دراز مدت حذف نگران است چون امریکائیا اگر نتوانند مسائل خودشان را با ایران حل کنند، ممکن است بطور جدی تصمیم به تقویت مجاهدین بگیرند. این است که تهران حتما ایالات متحده را مورد استهزا قرار خواهد داد و آن را به دروغ‌گویی در ادعای مقابله با تروریسم متهم خواهد کرد. در همین حال هم تهران از اینکه حذف این سازمان آن را مثل بقیه مخالفین میکند بدش نمیاید. واقعیت این است که دشمنان جمهوری اسلامی از این سازمان برای باجگیری از ایران استفاده کرده و خواهند کرد. در همه حال معضل اصلی جمهوری اسلامی عادی کردن رابطه با امریکا و تقویت دموکراسی در ایران خواهد بود و نه سازمان مجاهدین.

حذف سازمان مجاهدین از لیست ممکن است به واقع قدمی در جهت درست برای ایران آینده باشد. اول اینکه، عرق ملی ایرانیان از این واقعیت که گروهی از آنها در لیست تروریست‌های ایالات متحده بوده، کشوری که بسیاری از آنها گرمایش می‌دارند، رنج برده است. بعلاوه، سازمان مجاهدین خلق در گذشته ضد امریکایی‌ترین گروه ایرانی بوده است. پس حذف این سازمان به دست ایالات متحده میتواند قدمی در جهت عادی‌کردن ارتباطات بین امریکایی‌ها و ایرانی‌ها باشد. هم دولت و هم ملت ایران از این "عادی سازی" سود خواهند برد و باید از آن استقبال کنند.

دوم اینکه، مردم ایران از هر گونه نفوذ در راستای تعدیل کردن سازمان مجاهدین استقبال می‌کنند چون این سازمان یکی از بارزترین منابع افراطی‌گری، خشونت و ترس در بین ملت ایران در سه دهه گذشته بوده است، ملتی که بطور روز افزونی آرزوی صلح جهانی و آشتی ملی دارد. سازمان مجاهدین خلق در صورت حذف از لیست مجبور خواهد بود که خود را از یک گروه شبه‌نظامی به یک گروه سیاسی تبدیل کند. کاهش تنش ایران با امریکا حتما این تمایل را تقویت خواهد کرد. اگر چنین رخدادی قابل وقوع باشد، ایرانیان تسلی پیدا خواهند کرد چون دشمنی‌ها کمتر شده و تصویر لکه‌دار شده ایران در غرب تا حدودی تصحیح خواهد شد.

سوم اینکه، با حذف سازمان مجاهدین از لیست، امریکا یک لولوخورخوره بی‌مصرف را از دست خواهد داد و در مقابل یک ماشین تبلیغاتی تکراری دیگر علیه ایران به دست خواهد آورد. این امر می‌تواند برای امریکا هزینه‌هایی زیادی در بر داشته باشد از جمله ضرر های مالی، ضایع شدن وجهه بین المللی و سیاست مخرب تری در قبال ایران. تنها در یک صورت امریکا میتواند جلوی چنین هزینه هائی را بگیرد؛ گذاشتن یک طناب قوی دور گردن این سازمان و فشار روی آن برای کنار گذاشتن اعمال خشونت آمیز گذشته. ایرانیان میتوانند در جهت این برخورد امریکا با مجاهدین حذف شده از لیست به آن از طریق ایجاد حسن نیت و فشار کمک کنند.

این سیاست مهار باید با خلع سلاح سازمان مجاهدین، غیر نظامی کردن آنها، و کنار گذاشتن رهبران بدسابقه آن شروع شود. واقعیت این است که دنیای امروز سازمانی با مشخصات فعلی مجاهدین را بر نمیتابد حتی اگر برخی از دشمنان ایران و جمهوری اسلامی، منجمله محافظه کاران نو، هم بخواهند از آنها استفاده کنند. در همین حال هم، همراه با حذف سازمان از لیست ترویستی، امریکا باید به حل معضل قرارگاه اشرف عراق، جایی که ۳۴۰۰ نفر از جمله کودکان اقامت دارند، در یک چهارچوب بشر دوستانه کمک کند. ساکنین این قرارگاه باید بین کشور هائی که علاقه به دریافت آنها دارند پخش شوند. ایران باید با حسن نیت تمام در این رابطه پیش قدم گردد. حقوق شهروندی و حقوق انسانی شهروندان حتی خائن هم باید محفوظ باشد.

و آخر اینکه، اگرچه حذف سازمان مجاهدین از لیست، با توجه به پیشینه وحشتناک حقوق بشر آن، ادعای ایالات متحده را برای حمایت از حقوق بشر در ایران، دروغ جلوه خواهد داد، این اقدام در همان حال می‌تواند موجب پیشرفت روابط بین ایران و ایالات متحده و مصالحه درون ایرانیان شود - که هر دو از ملزومات دموکراسی در ایران آینده هستند. برای دستیابی به چنین پیروزی معنوی ای، ایالات متحده باید سیاست تغییر رژیم و اعمال زور نظامی را تقبیح کند، تحریم‌ها را بتدریج کاهش دهد و نگرانی‌های امنیتی ایران را برطرف نماید. در عوض، جمهوری اسلامی نیز باید در جهت آشتی ملی در کشور گام های اساسی بردارد و به تدریج به نگرانی‌های هسته‌ای امریکا و اژانس هسته‌ای بین المللی با شفافیت و حسن نیت کامل پاسخ دهد.

هوشنگ امیر احمدی: استاد دانشگاه راتگرز و رئیس شورای آمریکاییان و ایرانیان